

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۲۰ فروری ۲۰۱۲

ایران در هفته ای که گذشت

تجارب انقلاب و قیام ۲۲ بهمن [دلو] ۵۷ را پاس داریم

۲۲ بهمن سالروز قیام بزرگ توده‌های کارگر و زحمتکش، یکی از درخشان‌ترین صفحات تاریخ مبارزات مردم ایران علیه ستمگران حاکم است.

با قیام مسلحانه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بساط نظام سلطنتی خاندان پهلوی از ایران برچیده شد. اما دریغ و افسوس که ناآگاهی و بی‌سازمانی توده‌های زحمتکش سبب گردید تا قدرت سیاسی دوباره در دست گروه دیگری از مرتجعین به رهبری خمینی قرار گیرد و انقلابی که به قیام حماسی ۲۲ بهمن انجامیده بود، سرانجام با سرکوب و کشتار مردم توسط مرتجعین اسلام‌گرای حاکم، در هم شکسته شود.

در هفته‌ای که گذشت، سالروز این قیام بزرگ و تاریخی بود. سال‌هاست که با استقرار رژیم ترور و خفقان جمهوری اسلامی، توده‌های مردم ایران به مراسم فرمایشی و عوام‌فریبانه‌ای که هر سال از جانب رژیم در ۲۲ بهمن برگزار می‌گردد، پشت کرده‌اند. سال‌ها پیش که هنوز ماهیت سرتاپا ارتجاعی جمهوری اسلامی بر بخشی از مردم ایران آشکار نشده بود، گروهی از مردم ناآگاه و متوهم مذهبی نیز در این مراسم فرمایشی شرکت می‌کردند. اما اکنون مدت‌هاست که شرکت‌کنندگان در این خیمه‌شب بازی رژیم عموماً وابستگان دستگاه دولتی و خانواده‌های آن‌ها هستند.

سران جمهوری اسلامی که امروزه بیش از هر زمان دیگر منفور و مطرود توده‌های کارگر و زحمتکش‌اند و رژیم با بحران‌های متعدد داخلی و خارجی روبه‌رو است، امسال تلاش نمودند برای مصرف خارجی تمام نیروی خود را بسیج کنند تا گویا به مردم کشورهای منطقه و دولت‌های خارجی نشان دهند که هنوز در میان مردم پایگاه دارند و با سرنوشت دیگر رژیم‌های استبدادی منطقه که با خیزش‌ها و دسایس سرنگون شدند، روبرو نیستند.

با این همه، با چنان شکستی روبرو شدند که در تهران چندین میلیونی بر تمام بسیج‌شان به دشواری می‌توان نام ده‌ها هزار شرکت‌کننده نهاد. این شرکت‌کنندگان، فقط جیره‌خواران مزدور جمهوری اسلامی بودند. ناچیز بودن این جمعیت به حدی بود که نه فقط رسانه‌های بین‌المللی چیزی برای انعکاس آن نیافتند، بلکه مطبوعات و

خبرگزاری‌های داخلی رژیم نیز بی‌سر و صدا از کنار آن گذشتند. آن‌قدر شکست رژیم مفتضحانه بود که حتی نتوانستند یک عکس یا فلمی که جمعیتی قابل ملاحظه را در جریان سخنرانی احمدی‌نژاد نشان دهد، انتشار دهند. خامنه‌ای از این شکست چنان برآشفته شد که دو روز بعد در جریان یک سخنرانی کوشید آن را رفع و رجوع کند و رسانه‌ها به ویژه بین‌المللی را به عدم انتشار خبر حضور به اصطلاح میلیونی مردم متهم کند. او گفت: "دستگاه تبلیغاتی جبهه استکبار برای منعکس نشدن حقیقت و عظمت حضور مردم اخبار مربوط به این راهپیمایی را سانسور کردند و راهپیمایان میلیونی تهران را هزاران نفر و جمعیت ده‌ها میلیونی کشور در راهپیمایی را صدها هزار نفر عنوان کردند." خامنه‌ای گویا از فرط نومیدی عقلش را هم از دست داده است.

آخر در میان این همه خبرگزاری‌های ریز و درشت جهان که در ایران حضور داشتند تا قدرت بسیج جمهوری اسلامی را ببینند و گزارش کنند، حتی یک دستگاه تبلیغاتی غیر استکباری هم پیدا نشد که خبر از "راهپیمایان میلیونی تهران" و فراتر از آن "جمعیت ده‌ها میلیونی راهپیمایان کشور" بدهد؛ بالاخره از نمونه خبرگزاری‌های چینی و روسی که دوستان و حامیان جمهوری اسلامی هستند، حضور داشتند که بتوانند جمعیت ده‌ها میلیونی راهپیمایان را که گویا تمام جمعیت کشور منهای کودکان کم سن و سال و سالمندان را شامل می‌شود، ببینند و گزارشی از آن به سراسر جهان مخابره کنند و فلم آن را هم نشان دهند! اما گویا آن‌ها هم چیزی ندیدند و متوجه ابعاد قضیه نشدند. فقط این خامنه‌ای بود که می‌توانست به لحاظ نزدیک بودنش به عالم غیب از حضور جمعیت میلیونی و ده‌ها میلیونی راهپیمایان آگاه گردد و لا غیر. اما شکست و رسوائی جمهوری اسلامی قابل پرده‌پوشی نیست.

۳۳ سال ستم‌گری بر مردم ایران، رژیم جمهوری اسلامی را در همان جایگاهی قرار داده است که رژیم شاه در سال ۵۷ در آن قرار گرفت. عموم توده‌های مردم ایران در حال مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی‌اند. توده‌های میلیونی دست اندرکار برانداختن رژیم‌اند، خامنه‌ای اما خواب ده‌ها میلیونی را در مراسم رژیم می‌بیند. قیام تودم‌نی سال ۸۸ نشان داد که مردم ایران به چیزی کمتر از برافتادن بساط ننگین و جنایتکارانه جمهوری اسلامی رضایت نمی‌دهند. دیگر صحبت از بر جای ماندن جمهوری اسلامی نیست. چیزی به سرنگونی این رژیم نمانده است. مهم اما این است که توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران درس‌ها و تجارب ۳۳ سال گذشته را به خوبی آموخته باشند و آن‌ها را در جریان سرنگونی جمهوری اسلامی به کار بندند.

بزرگترین درسی که توده‌های زحمتکش ایران باید از انقلاب سال ۵۷ و شکست آن آموخته باشند این است که سرنگونی یک رژیم به تنهایی برای پیروزی یک انقلاب و دستیابی مردم به مطالبات خود و اهداف انقلاب، کافی نیست. مهم این است که قدرت سیاسی در دست کدام طبقه قرار می‌گیرد. در جامعه کنونی ایران، فقط انقلابی می‌تواند به پیروزی برسد که قدرت سیاسی را به دست کارگران و زحمتکشان بسپارد. به جز این هیچ انقلابی در ایران نمی‌تواند به پیروزی برسد و بدون آن مردم ایران هرگز نمی‌توانند به مطالبات خود دست یابند. انقلاب سال ۵۷ به مردم ایران آموخت که باید از تمام اشکال مبارزات تعرضی برای سرنگونی یک رژیم استفاده کرد، اما کارائی تمام این اشکال یکسان نیست. آن شکل‌هایی از مبارزه، ضرباتی مهلک بر پیکر پوسیده رژیم وارد می‌آورند که دربرگیرنده اکثریت بزرگ مردم ایران یعنی کارگران و زحمتکشان باشند. اعتصابات عمومی اقتصادی و سیاسی که میلیون‌ها کارگر در آن حضور دارند، مهم‌ترین اشکالی‌ست که می‌تواند رژیم را به کلی فلج و ضربات مرگباری بر آن وارد آورند. تجربه نشان داد که تلفیق این اعتصابات با راهپیمایی‌ها و تظاهرات تودم‌نی، مرحله‌عالی‌تری از این مبارزه است که رژیم را از هر جهت مورد حمله قرار خواهد داد. اما هیچ رژیمی، به ویژه رژیم‌های استبدادی و سرکوبگر از نمونه آن‌چه که اکنون در ایران وجود دارد، با سادگی کنار نمی‌رود بلکه

می‌کوشد با تکیه بر نیروهای مسلح خود قدرت را حفظ کند، لذا قیام مسلحانه، نظیر قیام ۲۲ بهمن، آن ضربه قطعی است که می‌تواند در پی یک اعتصاب عمومی سیاسی، رژیم حاکم را سرنگون و تمام بساط آن را جاروب کند. تجربه شکست انقلاب ۱۳۵۷ به مردم ایران آموخت که نباید به وعده و وعید اعتماد کنند. هرگز نباید فراموش کرد که همواره شیدانی از قماش خمینی پیدا می‌شوند، به مردم وعده و وعید می‌دهند تا اعتماد آن‌ها را جلب و انقلاب را سرکوب کنند. امروزه کم نیستند جریان‌های از درون اپوزیسیون رژیم که وعده آزادی، دموکراسی، برابری و رفاه به مردم می‌دهند، اما ماهیتاً تفاوتی با امثال خمینی ندارند. توده‌های کارگر و زحمتکش ایران نباید به این وعده‌ها اعتماد کنند. باید خودشان از طریق ایجاد ارگان‌های قدرت شورائی، خواست‌ها و مطالبات‌شان را عملی کنند. تجربه استقرار شوراها در جریان انقلاب ۵۷ و در پی قیام مسلحانه ۲۲ بهمن نشان داد که شورا یگانه نهادی است که می‌تواند مردم را بر سرنوشت خود حاکم سازد. از طریق شوراهاست که کارگران و زحمتکش‌ها می‌توانند قدرت سیاسی را به دست بگیرند، اعمال حاکمیت کنند، مطالبات خود را عملی سازند و از دستاوردهای انقلابی خود پاسداری نمایند.

شوراها، عالی‌ترین شکل دموکراسی را برای توده‌های مردم ایران به ارمغان خواهد آورد. چون در این‌جا قدرت از پائین‌ترین سطح در دست خود مردم است. نمایندگان، تماماً انتخابی هستند و توده کارگر و زحمتکش در هر لحظه مراقب رفتار و اعمال آن‌ها هستند. همین که ببینند نماینده و مقامی در حکومت شورائی خلاف منافع آن‌ها عمل می‌کند، در همان لحظه از حق عزل کردن او برخوردارند. دیگر، نظامی بوروکراتیک وجود نخواهد داشت. بساط رئیس و مأمور و امتیازات برمی‌افتد. مقامات، دیگر از حقوق‌های کلان برخوردار نخواهند بود و حقوق‌شان از متوسط دستمزد کارگران ماهر تجاوز نخواهد کرد و مردم مسلح، متشکل در شوراها از انقلاب خود پاسداری می‌کنند. دموکراسی شورائی این امکان را به مردم می‌دهد که خودشان از آزادی‌های خود حراست کنند. وسیع‌ترین گسترده‌ترین آزادی‌های سیاسی را برقرار سازند و دیگر اجازه ندهند آزادی از مردم گرفته شود. دموکراسی شورائی با کوتاه کردن دوره نمایندگی در شوراها این امکان را فراهم می‌آورد که عموم توده‌های مردم راه و رسم حکومت کردن را بیاموزند و بر سرنوشت خود و جامعه‌ای که در حال بنای آن هستند، حاکم گردند. دموکراسی شورائی که عالی‌ترین شکل دموکراسی کارگری است به توده‌های کارگر و زحمتکش این امکان را می‌دهد که نظم ستمگرانه سرمایه‌داری را براندازند و جامعه سوسیالیستی را بنا نهند که در آن انسان‌های آزاد، برابر و رها شده از ستم و استثمار، در رفاه و خوشبختی به سر برند. تجارب انقلاب و قیام ۲۲ بهمن را پاس داریم و در انقلاب آتی به کار بندیم.

وزیر اطلاعات، ورشکستگی را جار می‌زند

خیمه‌شب بازی موسوم به انتخابات به کابوسی برای رژیم تبدیل شده است. سران رژیم پوشیده و آشکار از آن‌چه که رخ خواهد داد، اظهار نگرانی می‌کنند. خامنه‌ای به هر بهانه‌ای سخنرانی می‌کند و از مردم می‌خواهد که در خیمه شب بازی انتخاباتی ۱۲ اسفند شرکت کنند. او در آخرین سخنرانی‌اش در این هفته گفت: جبهه استکبار و دشمنان نظام تلاش گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند تا انتخابات مجلس، انتخابات بی رونقی باشد. وی برای دل‌داری دادن به عوامل حزب‌اللهی‌اش وعده داد که با کمک خدا، انتخابات پرشور و با حضور فراوان مردم برگزار شود.

وخامت اوضاع را اما وزیر اطلاعات وی روز پنجشنبه در جمع آوندهای پیش‌نماز مساجد برملا کرد و از آن‌ها خواست که "با تبیین امور برای مردم، توطئه دشمنان را خنثا کنند." پس لابد مسأله مهم و قابل توجهی است که بار دیگر پای "توطئه دشمنان" در میان است.

وزیر اطلاعات گفت: "از منظر دستگاه اطلاعاتی، جنگی تمام عیار و همه جانبه علیه جمهوری اسلامی در حال اجراست و این یک شعار و تحلیل نیست بلکه به اساس اطلاعات دقیق می‌گویم. دشمن طراحی‌های گسترده‌ای در تمام حوزه‌های مختلف علیه جمهوری اسلامی طراحی کرده و این باعث شده که تهدیدها و آسیب‌پذیری‌هایی به وجود بیاید." از قرار معلوم، اوضاع آن‌قدر وخیم است که وزیر اطلاعات هم ترسیده است. مصلحی ادامه می‌دهد و می‌گوید:

"تغییرات جدی در حوزه تهدیدات علیه نظام صورت گرفته و ما با تهدیدات جدید و نوینی مواجه هستیم." "تغییر ماهوی تهدیدات جدید به این معناست که کلیه دستگاه‌ها با طراحی‌های جدید باید به این عرصه وارد شوند و در این ارتباط برنامه‌ریزی کنند."

حالا دست به نقدترین تهدید که این همه موجب نگرانی وزیر اطلاعات رژیم استبدادی است کدام است؟ رئیس سازمان شکنجه و کشتار اسلامی می‌گوید: نقطه مشترک دشمنان نظام تلاش در راستای کاهش مشارکت مردم در انتخابات و ایجاد تقابل امنیتی برای نظام است. متأسفانه برخی از اثرات منفی نیز در جامعه ما داشته است. بنابراین روشن شد که نظرسنجی‌های وزارت اطلاعات هم نشان از تحریم گسترده این خیمه شب بازی توسط مردم دارد. اما نگرانی به همین جا خاتمه نمی‌یابد. مصلحی می‌افزاید: "دشمنان تمام ظرفیت خود را به کار برده‌اند که نظام را با یک رویارویی امنیتی در موضوع انتخابات مواجه کنند و در واقع انتخابات را یک فرصت‌طلبی برای ضربه زدن به امنیت جمهوری اسلامی تلقی می‌کنند."

یعنی این که مسأله فقط تحریم انتخابات قلابی از سوی مردم نیست، بلکه مبارزه‌ای فعال برای برانداختن تمام بساط خیمه شب بازی رژیم استبدادی در جریان است. چرا که وی به "اغتشاش و آشوب خیابانی" نیز اشاره می‌کند. در تمام این سخنرانی، هراس وزیر اطلاعات موج می‌زند. البته این رئیس تشکیلات جاسوسی، شکنجه و کشتار، از طریق هزاران مزدور این دستگاه به خوبی می‌داند که نظر توده‌های وسیع مردم ایران نسبت به رژیم و انتخابات قلابی‌اش چیست. مردم ایران دیگر نه تنها هیچ توهمی به رژیم، جناح‌های آن و به اصطلاح انتخاباتش که حالا دیگر عرصه کشمکش چند باند تبهکار و مافیائی درون رژیم می‌باشد، ندارند، بلکه عزم کرده‌اند که با تشدید مبارزه این خیمه شب بازی را از بیخ و بن براندازند.

مسأله اکنون دیگر تحریم صاف و ساده در میان نیست، تحریم فعال و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، پاسخ مردم به خیمه شب بازی انتخاباتی رژیم خواهد بود.

اولتیماتوم یا اقدامی تبلیغاتی برای مصرف داخلی!

روز چهارشنبه این هفته، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی سفیران ۶ کشور اروپائی را فراخواند تا پیام این وزارتخانه را به دولت‌های متبوع خود برسانند.

از مضمون دقیق این پیام اطلاعاتی در دست نیست، اما از اخبار جسته و گریخته‌ای که انتشار یافته چنین برمی‌آید که در ارتباط با تحریم‌ها بوده است.

مدیر کل اروپای غربی وزارت امور خارجه به خبرگزاری ایرنا گفت: در دیدار با سفیران اروپایی به آن‌ها گفته شده است که ایران نمی‌تواند در مقابل تحریم‌های اروپایی ساکت بنشیند. اخبار متناقضی پی در پی بر سر این مسأله در رسانه‌های خبری انتشار یافت. از قطع فروش نفت به این کشورها تا تکذیب آن. در آخرین خبری که چهارشنبه شب خبرگزاری فارس انتشار داد، آمده بود: یک مقام آگاه برخی اظهار نظرها در خصوص اولتیماتوم به برخی کشورهای اروپایی را رد و موضع مقتدرانه جمهوری اسلامی در قطع صادرات نفت به ۶ کشور را تأیید کرد. سپس تمام این ضد و نقیض‌گویی‌ها به پایان رسید و اعلام شد: "ایران به دلایلی انسانی و هوای سرد در اروپا در حال حاضر صادرات نفت خود به این قاره را قطع نمی‌کند."

در عین حال که به نظر می‌رسد کشمکش در درون باندهای رژیم در قبال واکنش به تحریم خرید نفت از جمهوری اسلامی وجود دارد، یعنی برخی از این باندها می‌خواهند قبل از پایان قراردادهای فروش نفت به عنوان پاسخ به اصطلاح "مقتدرانه جمهوری اسلامی" قطع شود، برخی دیگر نمی‌خواهند اوضاع وخیمتر از آنچه که است، گردد. لذا در حالی که برخی مضمون پیام را اولتیماتوم نامیدند، جریانات دیگری که خبرگزاری فارس بلندگوی آن‌هاست، بر قطع صدور نفت تأکید کردند.

در واقعیت اما موضع هر دو جریان بر سر این مسأله چیزی جز یک هیاهوی تبلیغاتی نیست. تحریم خرید نفت از سوی کشورهای عضو اتحادیه اروپا از حدود یک ماه پیش به مرحله اجرا درآمده است. فرصت ۶ ماهه تعیین شده، نه برای خرید نفت در این فاصله بلکه برای پایان یافتن قراردادهایی است که قبلاً با جمهوری اسلامی بسته شده است. بنابراین اتحادیه اروپا از نظر حقوقی نمی‌توانست قراردادهایی را که از قبل با جمهوری اسلامی داشت کان لم یکن اعلام نماید. جمهوری اسلامی نیز حتا اگر بخواهد صرفاً برای اهداف تبلیغاتی داخلی خود، این قراردادها را ملغاً اعلام نماید، با همین مشکل حقوقی در سطح بین‌المللی روبرو خواهد شد و بالاخره مجبور خواهد شد، چندین برابر آن را به عنوان خسارت بپردازد.

بنابراین بعید است که حتا اگر جمهوری اسلامی همین فردا اعلام کند که دیگر نفتی به اروپا نخواهد فروخت، قراردادهای موجود را فسخ یا ابطال اعلام نماید.

اما هر اتفاقی که رخ دهد، در این واقعیت تغییری پدید نمی‌آورد که اقدام جمهوری اسلامی مبنی بر اعلام قطع صادرات نفت به اروپا صرفاً یک اقدام تبلیغاتی برای مصرف داخلی است. چون تحریم خرید نفت از جمهوری اسلامی هم اکنون به مرحله اجرا درآمده است. این جمهوری اسلامی نیست که پیش‌قدم قطع صدور نفت به اروپا می‌گردد، بلکه به یک عمل انجام گرفته گردن می‌نهد، منتها می‌خواهد بگوید که حال که شما نفت را از ما نمی‌خرید، ما هم به ناچار نفت را به شما نمی‌فروشیم.